

بررسی تأثیرات فرهنگی و اجتماعی عدم امنیت زنان در فضاهای شهری

اکبر اصغری زمانی*
شاهرخ زادولی خواجه**

تاریخ دریافت مقاله: ۹۳/۳/۸
تاریخ تأیید مقاله: ۹۳/۱۲/۹

چکیده

امنیت حقی بنیادی و پیش‌نیاز ارتقای رفاه و سلامت مردم است و از مسائل مهم هر جامعه‌ای به‌شمار می‌رود و مقدمهٔ حیات هر نظام سیاسی و اجتماعی است. احساس امنیت به احساس روانی شهروندان از امنیت ارتباط دارد. از این‌رو تأمین یا عدم تأمین آن، موضوعات و مسائل زیادی را به همراه دارد. زنان از جمله اقشار آسیب‌پذیر در برابر ناامنی به‌حساب می‌آیند. در این مقاله پس از بیان مفهوم امنیت و فضاهای شهری، تأثیرات فرهنگی و اجتماعی عدم امنیت زنان را بررسی می‌کنیم، سپس به ارائهٔ راهکارهای ارتقای امنیت محیط و جامعه برای کاهش جرائم و ناامنی علیه زنان می‌پردازیم.

واژگان کلیدی: تأثیرات فرهنگی، تأثیرات اجتماعی، امنیت، فضای شهری، زنان.



مقدمه

درک شرایط امروز جهان ایجاب می‌کند که «امنیت ملی» کشورها فقط از منظر نظامی تعریف نشود و مؤلفه‌های دیگری نظیر «امنیت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی» به‌عنوان سایر ابعاد حفظ و ارتقای سطح اقتدار ملی و بین‌المللی مورد توجه قرار گیرد (ماندل، ۱۳۷۷: ۷۲). درواقع، امنیت از گذشته‌های دور تا امروز از مقوله‌های بسیار مهم و رایج حیات بشری بوده و ضمن پشت سر نهادن تحولات عمده، نه‌تنها اهمیت آن کاهش نیافته، بلکه هر روز بر اهمیت آن افزوده شده و ابعاد وسیع‌تری یافته است. امنیت با فضا و ساخت‌وساز شهری ارتباط معناداری دارد. برنامه‌ریزان و طراحان شهری معتقدند شهرها برای اینکه ایمن باشند باید برای همه گروه‌های سنی و جنسی ساخته شوند و در ساخت آنها تفاوت‌های سنی و جنسی مورد توجه قرار گیرد. همچنین با توجه به اینکه جامعه ما روزبه‌روز بیش از گذشته شهری می‌شود، باید با تأکید بر جمعیت، سن، جنس و طبقه، به نیازهای ملموس و محسوس شهروندان نیز توجه کرد (Tabrizia and Madanipour, ۲۰۰۶: ۹۳۵). درباره تأثیرات محیط فیزیکی و فضا بر امنیت، نظریه‌های بی‌شماری مطرح شده است که براساس آن، فضاهای بدون دفاع شهری و فضاهایی که قابلیت بیشتری برای وقوع جرم دارند، موجب کاهش امنیت اجتماعی به‌ویژه امنیت اجتماعی زنان می‌شوند (طاهرخانی، ۱۳۸۱: ۸۸). جان جیکوبز^۱ از نظریه‌پردازان شهرسازی است که در تبیین امنیت شهری به تعامل فضای فیزیکی و فرایندهایی اجتماعی که محیط را می‌سازند و بر فعال بودن فضا به‌عنوان عاملی در ایجاد محیطی امن توجه و تأکید دارد (رفعیان، ۱۳۸۸: ۵۱). بنابراین احساس امنیت از مقوله‌های مهم در هر جامعه‌ای به شمار می‌رود و مقدمه لازم برای حیات هر نظام سیاسی و اجتماعی می‌باشد. به‌عبارت‌دیگر، احساس امنیت به احساس روانی شهروندان از امنیت مرتبط بوده و از این‌رو موضوعات و مسائل بسیاری را پیرامون خویش در رابطه با تأمین یا عدم تأمین آن به همراه دارد (احمدی و اسماعیلی، ۱۳۸۹: ۱۶۹). به عقیده بیشتر صاحب‌نظران، امنیت مفهومی بیرونی و عینی، و احساس امنیت مفهومی درونی و ذهنی است. امنیت یعنی نبود عوامل تهدیدکننده فرد و احساس امنیت به معنای نبود احساس درونی ناامنی است. در این زمینه می‌توان گفت احساس امنیت می‌تواند با امنیت واقعی تناسب داشته باشد یا نداشته باشد، یعنی در شرایطی که

1. John Jacobs.



امنیت عینی وجود نداشته باشد، فرد احساس امنیت داشته باشد یا اینکه عوامل ایجادکننده امنیت واقعاً وجود داشته اما فرد احساس امنیت نداشته باشد. امنیت در مفهوم عینی آن اندازه‌گیری فقدان تهدید علیه ارزش‌هاست و در مفهوم ذهنی به عدم احساس ترس از مورد حمله قرار گرفتن چنین ارزش‌هایی اشاره دارد (Moller, ۲۰۰۰: ۱). برنامه‌ریزی برای یک فضای شهری بدون توجه به امنیت آن، افزایش هزینه‌هایی چون روزآمد ساختن یا بهنگام کردن آن با استفاده از تجهیزات ایمنی و افزودن بر تعداد کارکنان امنیتی را در پی خواهد داشت (اعتماد، بهزادفر و صالحی میلانی، ۱۳۸۷: ۲۸۷). دولت مهم‌ترین منبع تحقق احساس امنیت و امنیت اجتماعی برای افراد جامعه به‌خصوص زنان می‌باشد و این مفهوم امنیت در جمهوری اسلامی ایران نیز از اهمیت خاصی برخوردار بوده و در قانون اساسی، چشم‌انداز بیست‌ساله و برنامه‌های توسعه کشور به آن اشاره شده است.

بیان مسئله

امنیت اولین عاملی است که موجب می‌شود انسان‌ها کنار هم بیایند، از نیروی هم کمک بگیرند و برای زندگی آسوده‌تر و متعهدتر در مسئولیت‌های اجتماعی مشارکت کنند. در جهان امروز زنان هم‌پای مردان به کار و فعالیت می‌پردازند و بسیاری از وقتشان را خارج از خانه می‌گذرانند، در نتیجه امکان مواجهه با آسیب‌های اجتماعی برای آنها افزایش یافته است. از این‌رو به نظر می‌رسد که بحث امنیت زنان بیش‌ازپیش اهمیت یافته است و به‌واسطه پایین بودن میزان امنیت زنان نسبت به مردان، جدی‌تر مورد بحث قرار می‌گیرد. ضرورت و اهمیت بررسی این موضوع هنگامی آشکارتر می‌شود که امکان تحرک می‌تواند شاخص تبعیض اجتماعی باشد و کسانی که محدودیت جابه‌جایی دارند از مشارکت فعال باز می‌مانند و نبود امنیت واقعی و بالقوه برای زنان سبب می‌شود آنها نتوانند شهروند تمام‌عیار به‌شمار بیایند و به‌راحتی در زندگی عمومی مشارکت داشته باشند (زنجانی‌زاده و اعزازی، ۱۳۸۱: ۳۸). در عصر حاضر، محیط‌های نامطلوب شهری مشکلات بسیاری را برای امنیت شهروندان به‌خصوص زنان ایجاد کرده و در رشد آسیب‌های اجتماعی مؤثر بوده‌اند. با گسترش این آسیب‌ها، امنیت رنگ می‌بازد و بر میزان جرم افزوده می‌شود؛ مردم در کنش‌های اجتماعی محتاط عمل می‌کنند و با هر اتفاقی، ترس و دلهره آنان دوچندان می‌شود؛ در نتیجه، احساس ناامنی می‌کنند.



امنیت اجتماعی آرامش و آسودگی خاطری است که هر جامعه‌ای موظف است در زمینه‌های شخصی، اقتصادی، سیاسی و قضایی برای جامعه و اعضای آن فراهم کند. امنیت نداشتن زنان در فضای شهری، مشارکت کامل آنان را در اجتماع محدود می‌کند و علاوه بر آسیب‌های روانی بر فرد، خانواده و جامعه را نیز متأثر خواهد کرد (Day, Stump and Carren, ۲۰۰۳: ۳۱۱). همچنین احساس ناامنی در فضاهای شهری افزون‌بر ایجاد نوعی ترس در زنان، باعث آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی بسیاری در آنان می‌شود. یافته‌های تحقیقات نشان می‌دهد احساس ناامنی زنان معمولاً در کلان‌شهرها، که حلقه تعامل‌های اجتماعی گسترده‌تر است، نسبت به شهرهای کوچک‌تر، که بافت‌های سنتی و هنجارهای اجتماعی برای مقابله با ناامنی محدودیت کافی ایجاد می‌کنند، محسوس‌تر است (گلی، ۱۳۹۰: ۱۴۵). در چنین شرایطی می‌توان گفت احساس امنیت در شهرها به‌خصوص کلان‌شهرها به‌عنوان مسئله‌ای اجتماعی تلقی می‌شود. همچنین امنیت تردد، عامل بسیار مهم و تعیین‌کننده‌ای در استفاده از فضاهای شهری است. از آنجاکه زنان به‌عنوان قشر آسیب‌پذیر در برابر ناامنی به‌حساب می‌آیند، بررسی ویژه الگوی تردد آنان در فضاهای عمومی شهری و ارتقای امنیت آنها در افزایش رونق فضاهای شهری و کاهش آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی ناشی از آن نقش بسزایی دارد (بمانیان، رفیعان و ضابطیان، ۱۳۸۷: ۴۱). از این‌رو هدف این تحقیق بررسی آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی ناشی از عدم امنیت زنان در فضاهای شهری و ارائه راهکارهایی برای برون‌رفت از این معضل است.

اهمیت و ضرورت پژوهش

ضرورت مقاله حاضر را می‌توان در این مهم خلاصه کرد که امروزه کمتر به ظرفیت بالقوه مناطق شهری در کاهش و یا جلوگیری از جرائم دقت می‌شود. بنابراین، طراح شهر یا معمار باید در فرایند طراحی و جایگزینی فضایی در مقیاس شهری یا در حد پلان ساختمان، به این نکته توجه داشته باشد که از طراحی فضا بدان‌گونه که از امکان نظارت عمومی می‌کاهد و یا نحوه دسترسی به مناطق جرم‌خیز را افزایش می‌دهد، جلوگیری کند. همچنین باید در رویکردهای جدید شهرسازی مؤلفه امنیت شهری، به‌ویژه امنیت اجتماعی زنان مورد توجه قرار گیرد تا از آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی زنان جلوگیری و امکان تحقق شهری ایمن فراهم شود.

روش تحقیق

در این مقاله از روش توصیفی - تحلیلی به عنوان رویه‌ای عمومی استفاده شده و برگزیده‌ای از منابع مکتوب مورد استناد تحلیل و بررسی شده است. در بررسی و مطالعات کتابخانه‌ای (مطالعه اسناد، مدارک و کتاب‌ها)، به منظور دستیابی به سابقه تحقیق و تدوین اهداف موضوع تا حد امکان از آخرین منابع فیش‌برداری شده و پس از بررسی کامل فیش‌ها در گزارش تحلیلی از آنها استفاده شده است. مراحل انجام این مقاله به شرح زیر است:

۱. طرح مفاهیم و رویکردهای نظری در ارتباط با موضوع؛
۲. بررسی تأثیرات فرهنگی و اجتماعی ناامنی برای زنان؛
۳. نتیجه‌گیری و ارائه راهکار.

مبانی، مفاهیم و دیدگاه‌های نظری مفهوم امنیت و امنیت اجتماعی

امنیت اجتماعی به قلمروهایی از حریم افراد مربوط می‌شود که با دیگر افراد جامعه، سازمان‌ها و دولت در ارتباط است. پیشتر افراد جامعه به‌طور مستمر و در طول زندگی روزمره با این قلمروها روبه‌رو می‌شوند و زندگی آنها مستلزم ارتباط در این قلمروهاست. در رویکرد سنتی، «امنیت اجتماعی» با مفهوم حفظ و بقای زندگی مطرح می‌شود. یعنی باید زندگی اعضای جامعه حفظ شود، از این‌رو به حذف یا کاهش عواملی نیازمندیم که حفظ و بقای زندگی را تهدید و روند استمرار حیات را مختل می‌کند (اورعی و صدیقی، ۱۳۷۵: ۱۳۲). در رویکرد مدرن، «امنیت اجتماعی» به معنای احساس آرامش و اطمینان خاطر و نبود اضطراب و ترس است (گیدنز، ۱۳۸۷: ۱۱۹). امنیت اجتماعی، آرامش و آسودگی خاطری است که هر جامعه موظف است برای اعضای خود فراهم کند (سعیدی، ۱۳۸۷: ۲۶۹). به‌طور کلی در رویکرد سنتی، امنیت اجتماعی به بقای اعضای جامعه توجه دارد و آن دسته از عوامل فیزیکی و مادی که بقای جامعه را تهدید می‌کند به‌عنوان تهدیدی برای امنیت اجتماعی تلقی می‌گردد، از طریق اعمال زور و قدرت برای مقابله با آن اقدام می‌شود. در رویکرد مدرن، امنیت اجتماعی به نوع بقای اعضای جامعه توجه دارد و عوامل معنوی، فرهنگی که موجب آسیب‌پذیری شیوه‌های گوناگون زندگی می‌شود، به منزله تهدید اجتماعی



خواهند بود (اورعی و صدیقی، ۱۳۷۵: ۱۳۲). بوزان^۱ بحث خود را در باب امنیت اجتماعی با بیان معنای ارگانیکی نهفته در این تئوری آغاز می‌کند و معتقد است زمانی امنیت اجتماعی مطرح خواهد بود که نیروی بالقوه و بالفعلی به‌عنوان تهدید برای هویت افراد جامعه وجود داشته باشد. امنیت اجتماعی از نظر بوزان به حفظ ویژگی‌هایی ارجاع دارد که بر مبنای آن افراد خودشان را به‌عنوان عضو یک گروه اجتماعی قلمداد می‌کنند یا به بیان دیگر امنیت اجتماعی معطوف به جنبه‌هایی از زندگی فرد می‌شود که هویت گروهی او را سامان می‌بخشد (نوبدینیا، ۱۳۸۲: ۶۵). از نظر مولر امنیت اجتماعی یعنی توانایی یک جامعه برای دوام ویژگی‌های اساسی آن در فرایند تغییرات محیطی و در برابر تهدیدات واقعی یا احتمالی و به‌طور خاص امنیت اجتماعی، توانایی محافظت و شرایط قابل پذیرش برای تکامل الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، پیوندهای اجتماعی، هویت ملی، مذهبی و رسوم اجتماعی. به گفته مک سوئینی^۲، امنیت اجتماعی آن است که چگونه جوامع منافع و هویتشان را خلق و باز تولید می‌کنند (Bilgin, ۲۰۰۳: ۳۱). به باور هایزمن، امنیت اجتماعی بر تهدیدها علیه هویت فرهنگی بیش از حق حاکمیت دولت‌ها متمرکز است (Ibid.: ۳۲). امنیت اجتماعی، همهٔ حیطه‌های امنیت است غیر از ناامنی‌های سیاسی، نظامی و ناامنی‌های ناشی از بیماری‌ها و دزدی و... پس امنیت اجتماعی شامل امنیت احترام و آبرو، امنیت اقتصادی، امنیت حقوقی، امنیت عاطفی و... می‌شود و امنیت اجتماعی زنان یعنی حالت بی‌خطری و نبود تهدید نسبت به سکنی، معیشت، آبرو و روابط اجتماعی زنان. این‌گونه امنیت یا این حیطه از امنیت، به‌طور مستقیم جنبهٔ سیاسی، نظامی، انتظامی یا بهداشتی و... دارد (اورعی و صدیقی، ۱۳۷۵: ۱۳۳). به‌طور کلی امنیت را می‌توان از نقطه نظر اجتماعی و فرهنگی، وضعیتی آرام تلقی کرد که انسان در نهایت ایمنی نسبت به جان و مال، ناموس، حیثیت هویت، ارتباطها، تفکرها، و ارزش‌های خود چه در زمان حال و چه آینده اطمینان داشته باشد و شبانه‌روز را با تحمل حداقل ریسک ممکن سپری کند. در نهایت می‌توان گفت امنیت یکی از نیازهای ضروری و پایه‌ای برای تعالی انسان تلقی می‌شود، درست شبیه نیازهای فیزیولوژیک انسان که برای حیات ضرورت دارند. در مجموع ارتقای این مؤلفه بر سلامت و سعادت انسان‌ها و در نتیجه جامعه تأثیر مستقیمی می‌گذارد.

1. Buzan.

2. Mack Sweeney.

فضاهای شهری

به‌طور کلی می‌توان فضاهای شهری را به دو بخش خصوصی (مسکونی) و عمومی تقسیم کرد. فضای مسکونی یا شخصی در طول شبانه‌روز پذیرای عدهٔ زیادی از زنان است. با اتصال املاک به یکدیگر و ایجاد ارتباط مناسب بین آنها امنیت املاک و ساکنان آنها بالاتر خواهد رفت. معمولاً در اطراف املاک دورافتاده‌تر و متروک، احتمال وقوع جرم بالاتر می‌رود و فضاهای متراکم ساخته شده وقوع جرم را تا حد بسیاری پایین می‌آورد. همچنین برای افزایش ضریب امنیت زنان در مناطق مسکونی باید از امنیت زنانی که بیشتر تنها هستند، با افزایش مراقبت بیشتر از خیابان‌ها، کاهش فرصت‌های مخفی شدن، فراهم آوردن خلوت مناسب و تشویق نکردن ورود مزاحمان اطمینان پیدا کرد (Bell, ۱۹۹۸: ۸). فضاهای عمومی به‌عنوان فضای خارجی، محلی برای تعاملات اجتماعی و در معرض عموم قرار گرفتند و فضاهایی قابل تجربه و به‌طور مساوی برای همه برای زندگی سالم می‌باشند. همان‌طور که یک خانه و همهٔ فضاهای داخلی آن پناهگاه امنی برای خانواده و زنان فراهم می‌کند، شهر و فضاهای آن هم باید ایمنی و امنیت را به‌طور مشابه برای همهٔ ساکنان و ناظران فراهم کند (Mtani and Lubava, ۲۰۰۴: ۲۳). فضاهای شهری باید طوری طراحی و ساخته شوند که بتوانند امنیت را برای ساکنان شهر فراهم بیاورند. امنیت یک فضا به کاربری‌های محاط‌کنندهٔ آن بستگی دارد و برای کاهش آثار منفی کاربری‌هایی که خلوت، متروک و مشکل‌سازند باید تدابیری اندیشیده شود. بنابراین فضای شهری مناسب تا حد زیادی تأمین‌کنندهٔ امنیت به‌عنوان نیاز اساسی انسان و فضای شهری نامناسب از بین برندهٔ آن و زمینه‌ساز انواع آسیب‌ها و معضله‌های اجتماعی است. فضاهای نامناسب شهری، فضاهای بی‌دفاع، محله‌های ناامن، کانون‌های پرتراکم با نظارت کم و مکان‌هایی با کاربری‌های خاص از عوامل تهدیدکنندهٔ امنیت شهری و اجتماعی‌اند. و کرل و وایتزمن^۱ برای افزایش ایمنی و امنیت در فضاهای شهری سه عامل را بیان می‌کنند: آگاهی از محیط، قابلیت مشاهده از سوی دیگران، دسترسی آسان به کمک در صورت نیاز. در شهر امن، ایمنی در فضای شهری تأمین شده و فرد در شهر احساس امنیت خاطر و بی‌خطری می‌کند. در واقع مبحث شهر ایمن بیشتر بر روی مسائلی متمرکز است که میزان خطرات را به حداقل برساند. با طراحی درست کالبد شهر و طرح کالبدی ساختمان و طراحی پلان



می‌توان امنیت فضاهای شهری را به‌ویژه برای زنان افزایش داد و از طرفی از رسیدن هر نوع آسیب اجتماعی و فرهنگی به آنها جلوگیری کرد.

تدابیر افزایش امنیت در فضاهای شهری

- خوانایی فضاهای شهری: خوانایی اصولاً به درجهٔ درک از یک فضا و وضوح آن برمی‌گردد و اینکه فضای مورد نظر از یک الگوی منسجم برخوردار باشد. وقتی فضایی خواناست به احساس راحتی و امنیت کمک می‌کند و برعکس هنگامی که علائم راهنما وجود ندارند و فضا گیج‌کننده است، احساس امنیت از بین می‌رود (Russ, 2006: 25).

- میزان آشنایی فضا: تکرار مناظر آشنا در فضاهای عمومی شهری نه تنها حس غربت و اضطراب آن را از بین می‌برد، بلکه به مردم در مسیریابی کمک می‌کند و از گم شدن احتمالی و ترس ناشی از آن جلوگیری می‌کند. همچنین این مسئله علاوه بر ساخت اماکن و فضاهای آشنا، می‌تواند در قالب مبلمان شهری با سبک‌های آشنا همچون نیمکت‌ها و سطل‌ها، کیوسک‌های تلفن و پناهگاه‌های اتوبوس و... آن، که از جمله عناصر الحاقی به محیط محسوب می‌شوند، نیز قابل دستیابی باشد. البته استفاده از سبک‌های آشنا به معنای نفی طرح‌های مدرن و نوآوری نخواهد بود و در واقع نکتهٔ مهم در ترکیب کردن سبک‌های آشنا و جدید است به طوری که برای مردم قابل درک و استفاده باشد (Burton and Mitchell, 2006: 76).

- نظارت طبیعی (اجتماعی): نظارت طبیعی به معنای توانمندسازی محیط شهری از طریق در معرض دید قرار گرفتن و آسانی نظارت است که امکان نظارت بر مناطق شهری را به وسیلهٔ شهروندان یا ارگان‌های انتظامی فراهم می‌کند. از این رو، این امکان فراهم می‌شود که مناطق شهری در معرض دید عمومی قرار گیرند و از ایجاد مناطق غیرقابل نظارت و به اصطلاح «مناطق کور» جلوگیری شود (Landsman, 2000: 221). در طراحی فضای سبز شهری باید به این موضوع توجه کرد تا از ایجاد مناطق کور با حائل‌های فضای سبز، نظیر بوته‌ها و درختچه‌ها و درختان که امکان نظارت مستقیم را دشوار می‌کند، جلوگیری کرد (Cozens and Prescott, 2001: 73).

- نظارت غیراجتماعی: این ابزار در جایی که مراقبت طبیعی امکان‌پذیر نیست، ممکن است مناسب باشد. دوربین‌های مداربسته می‌توانند در مکان‌هایی از سطح شهر مانند درون معابر، اتوبوس‌ها، پارکینگ‌های ماشین و یا زیرگذرها و پل‌های عابر پیاده کار گذاشته شوند.

درواقع این ابزار با ایجاد این حس که محیط تحت نظر است، ضریب ایمنی محیط را بالا می‌برد. برای مثال در سال ۱۹۹۴ و در گلاسکو تعداد ۳۲ دوربین مداربسته در مرکز شهر نصب شد و با این کار نرخ جرم در سال به میزان ۹ درصد کاهش پیدا کرد و به‌علاوه تأثیر چشم‌گیری بر کاهش ترس از جرم داشت (Ditton, ۲۰۰۰: ۶۸۳). البته نگهداری و ابقای این ابزار در استفاده از آن ضروری است. نکته مهم در این بخش لزوم علنی بودن کنترل محیط و ایجاد قوت قلب برای کاربران فضا در حفظ امنیت آن است.

جایگاه جنسیت در مؤلفه‌های شخصیتی مؤثر در احساس امنیت

مشخصه‌های فردی در ادراک از امنیت و میزان استفاده فرد از یک فضای شهری تأثیر دارند، مانند موقعیت اجتماعی، شخصیت، نقش‌ها (سن و طبقه اجتماعی، پشتوانه خانوادگی، دانشجو بودن و یا کارگر بودن و ...) و این مسائل در تعیین راحتی این افراد و همچنین در میزان درک آنها از آسیب‌پذیری یک مکان تأثیرگذار است. معمولاً عوامل زیادی برای عکس‌العمل نشان دادن مردم به ترس وجود دارند، اما برخی از این عوامل نقش بیشتری دارند؛ از جمله جنسیت، سن، تجربه‌های گذشته درباره جرم، محیط و جغرافیا، قومیت و فرهنگ و برخی متغیرهای دیگر، اما جنسیت به‌عنوان مهم‌ترین عامل شخصیتی در درک امنیت محسوب می‌شود. نوع جنایت و حس امنیت در خصوص زنان و مردان متفاوت است، ولی زنان ترس بیشتری حس می‌کنند تا مردان، گرچه ممکن است کمتر از مردان قربانی شوند (Howard, ۱۹۹۹: ۲۱۹). به‌طور کلی مردان احساس مثبت‌تری در مورد امنیت محیط خودشان نسبت به زنان دارند. هم مردان و هم زنان در تاریکی احساس ناامنی می‌کنند ولی درجه حس ناامنی در زنان بالاتر است. مثلاً در خصوص وسایل نقلیه بیش از ۶۰ درصد زنان در تاریکی احساس ناامنی دارند. البته این بیشتر به ترس از آزارهای جنسی بازمی‌گردد و درواقع ممکن است زنان ۱۰ برابر بیشتر از مردان در این‌گونه شرایط مورد آزار جنسی قرار بگیرند (بمانیان و همکاران، ۱۳۸۷: ۴۰). آنها با این ترس به دنیا نیامده‌اند، اما برای آنها همگانی و هنجار شده است که اگر برای مثال در شب بیرون بروند قربانی حمله خواهند شد. البته خانواده‌ها، هم‌نوعانشان و رسانه‌ها نیز بر این مسئله تأکید می‌کنند و این ترس را زنده می‌کنند و زنان هم آن را قبول می‌کنند (Howard, ۱۹۹۹: ۲۲۱).



ترس از محیط‌های شهری و واکنش‌های ناشی از آن

برخی مکان‌ها بر پایهٔ ترس ساخته شده‌اند؛ ترس از فعالیت‌های منفی، ترس از برخورد با مردم، ترس از عبور از خیابان‌ها، حتی ترس از آب و هوا و این ترس‌ها موجب قفل شدن افراد در محیط می‌شود، ارتباط با جهان پیرامون را قطع می‌کند و یا محیط‌های عمومی را سخت و غیرجذاب می‌نماید. وجود دیوارهای تیره، ساختمان‌های گول‌آسای خارج از مقیاس و خیابان‌های وحشت‌آور که به‌جای ایجاد حس مکان، بیشتر محل عبورند، نمونه‌هایی از چنین مکان‌هایی هستند. بنابراین معمولاً مردم برای کاهش خطر قربانی شدن دو راه را پیش می‌گیرند: ۱. رفتارهای کناره‌گیرانه و محدودکننده، مانند اجتناب از مکان‌های ناامن، یا تنها رفتن به این مکان‌ها و یا کمتر بیرون رفتن در مواقع غیرضروری، ۲. رفتارهای محافظه‌کارانه، مثل روش‌های دفاع شخصی، که البته هیچ‌کدام از این واکنش‌ها نمی‌توانند ترس از جرم را کاهش دهند (Ibid.: ۲۲۴). در واقع ترس از جرم در یک جامعه به‌عنوان عامل نفاق، مشکلی بزرگ‌تر از خود جرم است. مردم اغلب از جاهایی که احساس در معرض خطر بودن، آسیب دیدن و به‌طور کلی ناامن بودن دارند، دوری می‌کنند و به‌تدریج این محیط‌ها متروک می‌شوند. اگرچه در ابتدا واقعاً ناامن نبوده‌اند، اما به‌مکان‌هایی برای سوءاستفاده و فعالیت‌های مجرمانه تبدیل می‌شوند. برخی نظریه‌پردازان (مانند نیومن) از این‌گونه فضاها به‌عنوان «فضاهای بی‌دفاع» یاد می‌کنند. بنابراین ایجاد محیطی که مردم را بدون حس ترس و ناامنی جذب و تشویق به پیاده‌روی بکند، در واقع شمار مردم ناظر را افزایش می‌دهد که این نیروی مردمی برای امنیت خود مردم، بسیار قوی عمل می‌کند و کیفیت زندگی در آن فضا را افزایش می‌دهد (Mtani and Lubuva, ۲۰۰۴: ۱۶). ارتباط بین ابعاد فیزیکی، عینی، اجتماعی و روانشناسانهٔ محیط (به‌ویژه برای زنان) بسیار پیچیده است و معماران و برنامه‌ریزان زیادی روی این مطلب بحث کرده‌اند. در کل می‌توان گفت، ترس از جرم، رفتار و حالت‌ها را در فضاهای شهری تغییر می‌دهد و این آثار بر زنان و دیگر گروه‌های آسیب‌پذیر اجتماعی و اقتصادی شدیدتر است. در فرایندهای شهری زنان از فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی همچون کار کردن تا دیروقت، شغل‌های شیفتهی، کلاس‌های عصرگاهی و... مستثنا می‌شوند و البته در این موارد همواره زنان فقیر بیشتر قربانی جنایت و ترس از آن می‌شوند (Mtani and Lubuva, ۲۰۰۴: ۲۱) و رفتارهای گوشه‌گیرانه‌ای نسبت به محیط و جامعه به خود می‌گیرند.

تأثیرات فرهنگی و اجتماعی عدم امنیت زنان

فضا هویت انسان‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ می‌تواند به آنها احساس مطلوب بدهد یا افراد را دچار سردرگمی کند و یا موجب بروز تبعیض و انحراف و آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی در آنها شود. یکی از موضوع‌های مهم و تعیین‌کننده در نحوه بهره‌برداری و احساس افراد نسبت به فضا، شیوه پاسخ‌گویی فضا به نیازهای اقلیمی و تأمین شرایط آسایش محیطی برای گروه‌های مختلف است. فضاهای شهری باید با تأمین امکانات مناسب و پاسخ‌گویی به نیاز همگان، امکان حضور اقشار مختلف جنسی، سنی، و ... را در این عرصه‌ها فراهم کنند و به این ترتیب زمینه‌ای برای تعامل اجتماعی و ارضای این نیاز شهروندان محسوب شوند. زنان به دلیل مسائل فرهنگی و یا احساس عدم امنیت، ساعت‌های محدودتری را در بیرون از خانه سپری می‌کنند و این خود یکی از محدودیت‌های جدی برای فعالیت اجتماعی و حضور آنها در فضاهای شهری است. امنیت نداشتن زنان در فضاهای شهری، مشارکت کامل آنها را در اجتماع محدود می‌کند و علاوه بر آسیب‌های روانی بر فرد، خانواده و جامعه را نیز متأثر خواهد کرد. از جمله آثار فرهنگی و اجتماعی عدم امنیت در بین زنان می‌توان به این موارد اشاره کرد: حس گم‌گشتگی، محدود کردن مشارکت کامل آنها در اجتماع، ایجاد آسیب‌های روانی در زنان و منتقل شدن آنها به خانواده و سپس به همه جامعه، نقش منفعل زنان و تک‌رفتارهای محدود و حرکت‌های ضعیف اجتماعی زنان، رفتارهای کناره‌گیرانه، کاهش توانایی زنان، افزایش باورهای نادرست در زنان در مقایسه خود با دیگر زنان در کشورهای مختلف و ناپایداری و بی‌ثباتی در نظام اجتماعی. همچنین ناامنی فضاهای شهری آثاری دارد؛ از جمله اینکه حرکت‌های آنها را محدود می‌کند و به‌ویژه بعد از تاریک شدن هوا موجب در خانه ماندن آنها می‌شود، فرصت‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آنها را کاهش می‌دهد، وابستگی زنان به مردها را افزایش می‌دهد، و دید کلیشه‌ای ضعیف و ناتوان را به زنان تقویت می‌کند. اگرچه قانون و مباحث حقوقی در زمینه تأمین امنیت در جامعه اهمیت ویژه‌ای دارد، اما حقیقت این است که جامعه افزون‌بر قانون، به هدایت فرهنگی نیاز دارد و بدون نگاه فرهنگی به این موضوع نمی‌توان انتظار تحول مثبت و همیشگی داشت و باید نهادهای فرهنگی در این زمینه جدی‌تر وارد عمل شوند. در حال حاضر کشورهای غربی قوانین زیادی در زمینه تأمین امنیت زنان تصویب کرده‌اند، اما واقعیت‌های آماری پیرامون موارد متعدد قتل، تجاوز



و مزاحمت علیه زنان در همین کشورها نشان می‌دهد که قانون به‌تنهایی نمی‌تواند این مشکلات را حل کند بلکه عوامل فرهنگی و اجتماعی نیز اهمیت بسیار بالایی دارد.

نتیجه‌گیری

امنیت فضاهای شهری نقش ویژه‌ای در ارتقای سطح رفاه اجتماعی شهروندان دارد. در این بیان زنان یکی از گروه‌های آسیب‌پذیر در مقابل آثار ناامنی شهری محسوب می‌شوند که در مواجهه با ناامنی رفتارهای کناره‌گیرانه نشان می‌دهند. براساس این، برنامه‌ریزی برای ارتقای امنیت زنان در طراحی فضاهای عمومی شهری اهمیت ویژه‌ای دارد. امنیت یک فضا تحت تأثیر کاربری‌ها و فعالیت‌های دربرگیرنده آن است. تأمین امنیت اجتماعی و فرهنگی از لازمه‌های ثبات و پایداری نظم اجتماعی است و از این لحاظ بهره‌مندی از احساس امنیت موضوعی مهم و درخور توجه است. زنان همه‌روزه و در ساعت‌های مختلف در فضاهای شهری تردد می‌کنند و باید در این فضاها احساس امنیت کنند. بنابراین راهکارهای زیر می‌تواند برای کاهش جرائم و افزایش امنیت زنان در فضاهای شهری مفید باشد:

راهکارهای اجتماعی و فیزیکی

- حفظ تنوع کاربری‌های فضا و در صورت لزوم تغییر یا تبدیل کاربری‌های محیط؛ از جمله تبدیل همهٔ انبارها به کاربری‌های مسکونی و احیای مجدد بافت‌های راکد و منفعل و افزایش کاربری‌هایی با عملکرد فرهنگی برای تغییر جو اجتماعی محیط؛
- اتخاذ تدابیری برای افزایش دسترسی به امداد نظیر افزودن بر تعداد تلفن‌های عمومی و همچنین نورپردازی و تجهیز آنها به کد و دکمهٔ امداد فوری؛
- تعمیر و نگهداری مبلمان و تجهیزات شهری و خاصه زیرساخت‌های شهری و حمایت از فعالیت‌های اجتماعی؛
- پویاسازی و افزایش رونق فضاهای شهری به‌ویژه در شب و استفاده از سیاست اقتصاد شبانه برای ارتقای امنیت تردد زنان از نظر عینی و ذهنی و به‌ویژه در شب.

راهکارهای فرهنگی

- افزایش حس تعلق و مسئولیت به فضاهای شهری در شهروندان و کاهش ناامنی و خسارت‌های ناشی از رفتارهای خرابکارانه با استفاده از ارتقای سطح فرهنگی

استفاده‌کنندگان از فضا؛

- مهندسی فرهنگی برای جلوگیری از تبعیض‌ها و نابرابری‌ها در خانواده، محیط کار و آموزش نسبت به زنان؛

- مهندسی نقش اجتماعی و غیراجتماعی زنان و توازن بین نقش خانواده و اجتماع زنان؛

- فرهنگ‌سازی اجتماعی؛ از این راه می‌توان دیدگاه جاری مردم را نسبت به فضاهای

عمومی شهری و مناطقی که در آن زندگی می‌کنند، تغییر داد و حتی آن را اصلاح کرد. رویکردهای فرهنگ‌مدار در سطوح مدیریتی ایران نیازمند مدارا و صبر بیشتری برای دستیابی به نتیجه مورد نظر است زیرا تغییر باورها، عادت‌ها و عقاید یک ساختار اجتماعی در کوتاه‌مدت میسر نمی‌شود و باید به حرکت‌های بلندمدت - میان‌مدت اندیشید. در هر صورت باید مردم بپذیرند که فقط خودشان هستند که می‌توانند با

مساعی و مشارکت بیشتر در طی حرکت‌های عمومی به بهبود ساختار بپردازند. البته نقش ارگان‌ها و نهادهای تأمین اجتماعی هم در این میان مهم است. چنانچه در طرح

افزایش امنیت اجتماعی که از سال ۱۳۸۶ شروع شده و ادامه دارد، دیده شد که بعد از مدتی ترس شهروندان از اراذل و اوباش کاهش یافت و در واقع مردم به نتیجه عملی این اقدامات امیدوار شدند، شروع به فعالیت کردند و همکاری و مشارکت عمومی گسترده‌ای به‌وجود آمد که نشان می‌دهد در صورت برنامه‌ریزی درست و بهینه، می‌توان انتظار مشارکت مناسب مردم را داشت.

منابع

- احمدی، یعقوب و عطا اسماعیلی (۱۳۸۹). «سنجش احساس امنیت زنان مبتنی بر عوامل چندبعدی و میان‌رشته‌ای در شهر مشهد»، مجموعه مقالات جامعه‌شناسی کاربردی، سال ۲۱، ش ۲.
- اعتماد، گیتی، مصطفی بهزادفر، ساسان صالحی میلانی (۱۳۸۷). مکان‌ها و مکان‌سازی، استانداردهای برنامه‌ریزی و طراحی شهری، جلد چهارم، تهران: انتشارات جامعه مهندسان مشاور ایران.
- صدیق اورعی، غلامرضا (۱۳۷۵). «تأثیر عوامل ساختاری بر پدیده امنیت یا ناامنی اجتماعی»، همایش توسعه و امنیت عمومی، تهران: وزارت کشور.
- رفعیان، مجتبی (۱۳۸۸). «عوامل مؤثر بر ارتقای امنیت زنان در محیط‌های شهری»، مجموعه مقالات پژوهش زنان، دوره هفتم، ش ۳.
- زنجانی‌زاده، هما و شهلا عزازی (۱۳۸۱). «زنان و امنیت شهری»، مجله دانشکده علوم انسانی مشهد، ش ۳۴.
- سعیدی، عباس (۱۳۸۷). دانشنامه مدیریت شهری و روستایی، تهران: مؤسسه فرهنگی، اطلاع‌رسانی و



- مطبوعاتی شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور.
- طاهرخانی، حبیب‌الله (۱۳۸۱). «ایجاد فضاهای قابل دفاع شهری»، مجله مدیریت شهری، ش ۹.
- گلی، علی (۱۳۹۰). «زنان و امنیت در فضاهای عمومی شهری؛ مطالعه موردی: پارک آزادی شیراز»، مجله جامعه‌شناسی تاریخی، دوره سوم، ش ۲.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۷). **تجدد و تشخیص**، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
- ماندل، رابرت (۱۳۷۷). **چهره متغیر امنیت ملی**، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- نویدنیا، منیژه (۱۳۸۲). «درآمدی بر امنیت اجتماعی»، فصلنامه مدیریت راهبردی، سال ششم، ش ۱۹.
- بمانیان، محمدرضا، مجتبی رفیعیان و الهام ضابطیان (۱۳۸۷). «امنیت تردد زنان در فضاهای شهری و سنجش مشارکتی آنها در بخش مرکزی شهر تهران»، فصلنامه تحقیقات زنان، سال دوم، ش ۴.
- Bell, Wendy (1998). «**Woman and Comenity Safety**», Planing Associates South Austrhlha, No. 32.
- Bilgin, Pinar (2003). «**Individual and SociDimentions of Security**», International Studies Review, Vol. 5, Issue2.
- Burton, Elizabet, and Mitchell Lynne (2006). **Inclusive Urban Dsign Streets for Life**, First Edition, UK: Architectural Press.
- Cozens, P., D. Prescott, and G. Hiller (2001). «**Crime and Design Residential Property Exploring the Theoretical Background**», Journal of property management, Vol 19, Issue 2.
- Day, K., C. Stump and D. Carreon (2003). «**Confrontation and Loss of Control: Masculinity and Men's Fear in Public Sspace**», Journal of Environmental Psychology, Vol. 23.
- Ditton, Jason (2000). **Crime and the City, Puplic Atthtudes toward Open Street CCTV in Glogow**, Oxford: the Center for Crime and Justice Studies, (ISTD) Brit, Criminol.
- Russ, Thomas H. (2006). **Safe City Strategy**, Site Planning and Desing Handbook, New York: Craw-hill Companies.
- Howard, John (1999). «**Fear of Crime**», Society of Alberta, www, elsevier.com.
- Landsman, K. (2000). **An Overview of Enclosed Neighborhoods in South Africa**, Pretoria: CSIR.
- Mtani .A and Lubava J. M (2004). «Urban Space Security: A Case of the dare s Salaam», Safety Audits for Women. Tanzania.
- Moller, bjorn (2000). National Societal and Hhuman Security Ddiscussion Case Study of the Israel Palestine Conflict.
- Tabrizia, R. L. and A. Madanipour (2006). «**Crime and the City: Domestic Burglary and the Built Environment in Tehran**», Habitat International. Vol. 30. Issue 4.